



The Ethics of War in the Quran and the Life of the Prophet (PBUH), a Comparative Study of Humanitarian Rules in Modern Wars

Shahnaz Akbari

Level 4 Scholar in Comparative Exegesis, Rafiat al-Mustafa Specialized Seminary, Tehran, Iran
Akbarishahnaz976@gmail.com

Abstract

The evolving nature of warfare and the increasing complexity of the instruments of violence have highlighted the need to re-examine and compare the ethical and legal systems governing armed conflicts. Within the Islamic tradition—grounded in the Quran and the Prophetic *Sirah*—a model of the "ethics of war" has emerged, emphasizing a defensive, humane, and restrictive nature. In contrast, International Humanitarian Law (IHL), serving as the global framework for regulating conduct in warfare, constitutes the legal basis for assessing the legitimacy and limits of military operations. Despite the established history of both systems, the question remains: to what extent do they converge or diverge, and is it possible to find conceptual and functional alignment between them? The significance of this issue in contemporary conflicts—particularly the recent war against Iran—has been underscored by numerous reports of violations of international norms. This study aims to conduct a comparative analysis of the ethics of war in Islam and modern humanitarian rules, focusing on their commonalities, differences, and the grounds for the legitimacy of war. The research employs a descriptive-analytical method.

Keywords: War, ethics of war, international humanitarian law, the Prophet's conduct (Sirah), legitimacy of war.



أخلاقيات الحرب في القرآن والسيرة النبوية (دراسة مقارنة للقواعد الإنسانية في الحروب الحديثة)

شهناز اكبرى

المستوى الرابع في الحوزة العلمية، تخصص التفسير المقارن، معهد "رفيعات المصطفى"، طهران، إيران.
Akbarishahnaz976@gmail.com

ملخص

لقد سلطت الطبيعة المتطورة للحروب وتزايد تعقيد أدوات العنف الضوء على الحاجة إلى إعادة النظر في الأطر الأخلاقية والقانونية التي تحكم النزاعات المسلحة والمقارنة بينها. ففي إطار التراث الإسلامي -المستند إلى القرآن الكريم والسيرة النبوية- تبلور نموذج لـ "أخلاقيات الحرب" يتسم بطابع دفاعي وإنساني وضوابط مقيدة؛ وفي المقابل، يُشكل القانون الدولي الإنساني -باعتباره الإطار العالمي لتنظيم السلوك أثناء الحروب- الأساس القانوني لتقييم مشروعية العمليات العسكرية وحدودها. ورغم التاريخ الراسخ لكلا النظامين، تظل المسألة قائمة: إلى أي مدى يلتقيان أو يختلفان، وهل من الممكن إيجاد توافق مفاهيمي ووظيفي بينهما؟ لقد تزايدت أهمية هذه المسألة في الصراعات المعاصرة - ولا سيما الحرب الأخيرة ضد إيران - في ظل تقارير عديدة تشير إلى انتهاكات للأعراف الدولية. وتهدف هذه الدراسة إلى إجراء تحليل مقارن لأخلاقيات الحرب في الإسلام والقواعد الإنسانية الحديثة، مع التركيز على أوجه التشابه والاختلاف بينهما، وأسس مشروعية الحرب. وتعتمد الدراسة المنهج الوصفي التحليلي. الكلمات المفتاحية: الحرب، أخلاقيات الحرب، القانون الدولي الإنساني، السيرة النبوية، مشروعية الحرب.

اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر

(مطالعه تطبیقی قواعد بشردوستانه در جنگ‌های جدید)

شهناز اکبری

دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی رفیعة المصطفی علیه السلام، تهران، ایران

Akbarishahnaz976@gmail.com

چکیده

تحول در ماهیت جنگ‌ها و پیچیده‌تر شدن ابزارهای خشونت، ضرورت بازخوانی و مقایسه نظام‌های اخلاقی و حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه را برجسته کرده است. در سنت اسلامی، بر پایه قرآن و سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، الگوی «اخلاق جنگ» با تأکید بر ماهیت دفاعی، انسانی و محدودکننده شکل گرفته است. در مقابل، «حقوق بشردوستانه بین‌المللی» (IHL) به عنوان چارچوب جهانی تنظیم رفتار در جنگ‌ها، مبنای حقوقی سنجش مشروعیت و حدود عملیات نظامی محسوب می‌شود. با وجود پیشینه هردو نظام، همچنان این پرسش مطرح است که میزان همگرایی یا اختلاف آن‌ها چیست و آیا می‌توان میان آن‌ها تطابقی مفهومی و کارکردی یافت؟ اهمیت این مسئله در مخاصمات معاصر، به ویژه جنگ اخیر علیه ایران، با گزارش‌های متعدد از نقض قواعد بین‌المللی، دوچندان شده است. هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی اصول اخلاق جنگ در اسلام و قواعد بشردوستانه نوین، با تمرکز بر اشتراک‌ها، تفاوت‌ها و مبانی مشروعیت جنگ است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. **کلیدواژه‌ها:** جنگ، اخلاق جنگ، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، سیره پیامبر، مشروعیت جنگ

مقدمه

در جهان پیچیده و به شدت به هم پیوسته امروز، که دامنه و ماهیت درگیری‌ها به طور مداوم در حال تحول است، بحث درباره اخلاق حاکم بر جنگ و چگونگی محدودسازی خشونت اهمیتی روزافزون یافته است. از یک سو، نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) با تکیه بر کنوانسیون‌های ژنو و لاهه می‌کوشد حدود و قواعد قابل قبول درگیری‌های مسلحانه را تعیین و از رنج‌های انسانی ناشی از جنگ بکاهد. از سوی دیگر، سنت‌های دینی عمیق، به ویژه تعالیم اسلام که در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبلور یافته است، قرن‌ها پیش چارچوبی اخلاقی و عملی برای محدود کردن خشونت و پاسداشت کرامت انسانی در زمان جنگ ارائه کرده‌اند.

این پژوهش با رویکردی تطبیقی به بررسی قواعد اخلاقی در میدان نبرد از منظر قرآن کریم و سیره نبوی می‌پردازد و می‌کوشد ضمن تبیین ابعاد مختلف این آموزه‌ها، ظرفیت‌های آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های معاصر برجسته سازد. در این راستا، پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود: چه مؤلفه‌هایی به عنوان محورهای اخلاقی جنگ در قرآن و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده است؟ و نقاط اشتراک و افتراق این آموزه‌ها با قواعد حقوق بشردوستانه در جنگ‌های معاصر چیست؟

در سال‌های اخیر آثار متعددی در این حوزه منتشر شده است که از جمله

می‌توان به این منابع اشاره کرد: پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹)، *تاریخ اسلام/از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام*، دفتر نشر معارف؛ جهان‌تیغ، حسین و نجفی، حسن (۱۳۹۷)، *نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین‌الملل؛ و موسوی میرکلائی، طاهر (۱۳۹۲)، راهکارها و ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹*. با این حال، آثار یادشده عمدتاً از منظر تاریخی یا حقوقی به موضوع پرداخته‌اند.

مقاله حاضر می‌کوشد با نگاهی تطبیقی، جنگ و قواعد ناظر بر آن را از دو منظر اخلاقی و حقوقی بررسی کند. نوآوری این پژوهش در تلفیق دو حوزه مهم اما نسبتاً مستقل، یعنی مباحث اخلاق جنگ در اسلام و قواعد مدرن حقوق بشردوستانه و تلاش برای ارائه چارچوبی تحلیلی و کاربردی برای فهم و مواجهه با چالش‌های جنگ در جهان معاصر است.

۱) مفاهیم کلیدی

۱-۱) جنگ

جنگ در لغت به معنای جدال، قتال، نبرد، پیکار و رزم آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳ ش: ج ۵، ص ۶۹۱۸). در اصطلاح، جنگ به درگیری مسلحانه سازمان‌یافته میان دو یا چند دولت، ملت یا گروه مسلح گفته می‌شود که معمولاً با اهداف سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱، ص ۵۶، ۱۴۴).

۲-۱) اخلاق جنگ

اخلاق در لغت به معنای خُلق، منش، رفتار و شناخت خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی است و در اصطلاح به مجموعه هنجارها و معیارهای پذیرفته شده در جامعه اطلاق می‌شود که درستی یا نادرستی رفتار انسان‌ها را تعیین می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۱، ص ۱۵۳۷).

براین اساس، اخلاق جنگ به مجموعه قواعد، ارزش‌ها و اصول اخلاقی، انسانی و اسلامی گفته می‌شود که رعایت آن‌ها در تمامی مراحل جنگ - پیش از آغاز، در حین درگیری و پس از پایان آن - ضروری است (حسینی، ۱۳۸۷ش: ج ۱، ص ۳۱۵).

۳-۱) قواعد بشردوستانه

قاعده در لغت به معنای پایه، اساس و بنیاد است و واژه «بشردوستانه» به معنای انسان‌دوستانه و انسان‌گرایانه، یعنی آنچه در جهت حمایت از انسان و کرامت بشری قرار دارد، به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ج ۱، ص ۱۵۳۷). در اصطلاح حقوق بین‌الملل، قواعد بشردوستانه به مجموعه اصول و مقرراتی گفته می‌شود که با هدف محدود ساختن آثار و پیامدهای انسانی جنگ تدوین شده‌اند. این قواعد عمدتاً در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن انعکاس یافته‌اند (حسینی، ۱۳۸۷ش: ج ۱، ص ۳۰۷).



۲) اخلاق جنگ در قرآن و سیره پیامبر ﷺ

در قرآن کریم، مفهوم جنگ در چارچوبی اخلاقی، هدفمند و محدود تعریف شده و غالباً با عنوان «جهاد» از آن یاد می‌شود. جهاد مفهومی عام‌تر از جنگ دارد و هرگونه تلاش در مسیر حق را دربرمی‌گیرد؛ با این حال، بُعد نظامی آن تنها در شرایط خاص و با ماهیت دفاعی مشروعیت می‌یابد. آیه (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا) (بقره، ۱۹۰) به صراحت قتال را مقید به مقابله با متجاوزان و پرهیز از تعدی می‌داند. براین اساس، جنگ ابتدایی توسعه طلبانه یا فاقد ضرورت دفاعی، فاقد مشروعیت است. قرآن کریم مشروعیت توسل به زور را به دفع ظلم، رفع فتنه، تأمین امنیت و حمایت از مؤمنان محدود می‌کند و انگیزه‌های مادی مانند تحصیل غنیمت را مردود می‌شمارد.

۲-۱) اصول اخلاقی جنگ در قرآن

اخلاق جنگ در قرآن بر مجموعه‌ای از اصول محدودکننده و انسانی استوار است:

۲-۱-۱) منع تعرض به غیرنظامیان و بی‌گناهان

حرمت جان و مال افراد غیرمشارک در جنگ مورد تأکید است. آیه (لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ... أَنْ تَعْتَدُوا) (مائده، ۲) تصریح می‌کند که دشمنی نباید به ظلم و تجاوز بینجامد.



۲-۱-۲) رعایت کرامت اسیران

رفتار انسانی با اسیران از دستورات صریح قرآن است؛ چنان که در آیه (وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا) (انسان، ۸) بر اطعام اسیر تأکید شده است. منع شکنجه و مثله کردن نیز از اصول ثابت اخلاق اسلامی به شمار می‌رود.

۲-۱-۳) منع فساد و تخریب بی‌جهت

آیه (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ) (بقره، ۶۰) با اطلاق معنایی خود هرگونه تخریب غیر ضروری، از جمله نابودی منابع طبیعی، سوزاندن مزارع یا قطع درختان را در بر می‌گیرد.

۲-۱-۴) پایبندی به عهد و پیمان

حتی در شرایط خصومت، وفای به عهد الزامی است؛ (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) (مائده، ۱) بر رعایت تعهدات تأکید دارد.

۲-۱-۵) اصل تناسب در پاسخ نظامی

مقابله باید در حد ضرورت و عدالت باشد، نه فراتر از آن. آیه (فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ) (بقره، ۱۹۴) ناظر به محدود بودن پاسخ به میزان تجاوز است.



۲-۲) تجلی عملی در سیره پیامبر ﷺ

سیره نبوی تجسم عینی این اصول است. در غزوات و سریه‌ها، از بدر واحد تا فتح مکه، پیامبر ﷺ پیش از آغاز درگیری بردعوت به صلح، گفت‌وگو و اتمام حجت تأکید می‌کرد (واقعی، المغازی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۱۱۵). جنگ تنها زمانی آغاز می‌شد که راهی جز دفاع باقی نمی‌ماند (ابن هشام، السیره النبویه، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۲۵۸).

در میدان نبرد، دستورهای صریحی درباره منع کشتن زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران و راهبان صادر می‌شد و از تخریب مزارع، سوزاندن درختان و ویران‌سازی خانه‌ها نهی می‌گردید. رفتار با اسیران نیز مبتنی بر کرامت انسانی بود؛ اسیران بدر با احترام نگهداری شدند و آزادی بسیاری از آنان در قبال فدیة یا آموزش سواد تحقق یافت (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ص ۱۸۹).

پس از پایان جنگ‌ها، اصل عفو و گذشت مورد تأکید قرار داشت؛ عفو عمومی پس از فتح مکه نمونه‌ای شاخص از این رویکرد است (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۳۸۷ق: ج ۳، ص ۱۲۵). همچنین واقعه حدیبیه جلوه‌ای روشن از پابندی پیامبر ﷺ به عهد و ترجیح صلح بردرگیری است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۲۰، ص ۳۵۰).

۳) قواعد بشردوستانه ناظر به جنگ

حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که





با هدف کاهش آلام انسانی در جنگ‌ها و محدود کردن دامنه خشونت نظامی شکل گرفته است. ریشه‌های این نظام حقوقی در کنوانسیون‌های لاهه و ژنو و نیز پروتکل‌های الحاقی آن‌ها قرار دارد. اسنادی مانند کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹)، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) از مهم‌ترین پایه‌های حقوقی این نظام محسوب می‌شوند و چارچوبی برای تعریف و پیگرد جنایات جنگی فراهم می‌آورند (جهان‌تیغ، ح؛ نجفی، ح، ۱۳۹۷، ش ۵، ص ۴۵).

در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اصول بنیادینی برای تنظیم رفتار طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل تمایز است که بر تفکیک میان اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی تأکید می‌کند؛ بر اساس این اصل، حملات نظامی باید صرفاً متوجه اهداف نظامی باشد. در کنار آن، اصل تناسب قرار دارد که استفاده از نیروی نظامی را در صورتی که خسارات جانبی آن نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار بیش از حد باشد، ممنوع می‌داند.

همچنین اصل احتیاط در عملیات نظامی طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند تا در طراحی و اجرای حملات، اقدامات لازم را برای کاهش خسارات احتمالی به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی به کار گیرند. در همین راستا، حمایت از مجروحان و بیماران، اسیران جنگی و نیز کارکنان و مراکز پزشکی از اصول اساسی حقوق بشردوستانه به شمار می‌آید. افزون بر این، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای

غیرانسانی، منع حملات علیه اهداف غیرنظامی و محدودیت در استفاده از سلاح‌هایی که آثار بی‌رویه و غیرقابل کنترل دارند، از جمله قواعد مهم این نظام حقوقی محسوب می‌شوند (موسوی میرکلائی، ط، ۱۳۹۲ش: ش ۸۳، ص ۱۸۵).
با وجود توسعه این قواعد در حقوق بین‌الملل، یکی از چالش‌های مهم در اجرای مؤثر حقوق بشردوستانه، مسئله نقض این مقررات در برخی مخاصمات مسلحانه است. گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که در برخی جنگ‌ها حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها یا خدمات حیاتی، رخ داده است که از منظر حقوق بشردوستانه می‌تواند مصداق نقض قواعد جنگ تلقی شود (عزیزی، س، ۱۳۹۲ش: ش ۱، ص ۹۰). چنین مواردی نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های حقوقی در سطح بین‌المللی، همچنان ضرورت تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی برای تضمین رعایت این قواعد در مخاصمات مسلحانه وجود دارد.

۴) بررسی تطبیقی اخلاق جنگ در اسلام با قواعد بشردوستانه

تحلیل تطبیقی اخلاق جنگ در اسلام با قواعد بشردوستانه نوین نشان می‌دهد که میان این دو نظام فکری و حقوقی، اشتراکات قابل توجهی وجود دارد. هر دو رویکرد بر ضرورت حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه تأکید دارند و تلاش می‌کنند دامنه خشونت در جنگ را محدود سازند. ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، حرمت تخریب بی‌رویه محیط زیست





واموال عمومی، و نیز لزوم پایبندی به عهد و پیمان از مهم‌ترین اصول مشترک میان اخلاق جنگ در اسلام و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شمار می‌آید.

در کنار این اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز در مبانی نظری و چارچوب‌های مشروعیت جنگ مشاهده می‌شود. مهم‌ترین تفاوت به مبنای مشروعیت جنگ بازمی‌گردد. در اندیشه اسلامی، جهاد مفهومی اخلاقی - معنوی است که مشروعیت آن بر دفاع، دفع ظلم و حمایت از مظلومان استوار است؛ در حالی که نظریه جنگ عادلانه در سنت غربی و نیز چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بیشتر بر مبانی حقوقی و سیاسی تکیه دارند و مشروعیت توسل به زور را بر اساس معیارهایی مانند وجود تهدید آشکار، تصمیم نهادهای رسمی یا ضرورت نظامی تبیین می‌کنند (موسوی، ع، ۱۳۸۶ ش: ۲۰۹، ص ۵۵).

از سوی دیگر، مفهوم «ضرورت نظامی» در حقوق بشردوستانه بین‌المللی گاه امکان حملات محدود علیه اهدافی را فراهم می‌کند که دارای کارکرد دوگانه نظامی و غیرنظامی هستند؛ در حالی که در اخلاق جنگ اسلامی تأکید بیشتری بر احتیاط و پرهیز از هرگونه تعرض غیرضروری به غیرنظامیان و اموال عمومی وجود دارد (حسینی، م، ۱۳۸۷ ش: ۳، ص ۶۰).

در مجموع، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که اخلاق جنگ در اسلام، با اتکا به آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر ﷺ، نظامی منسجم و انسان‌محور ارائه می‌دهد که در آن تلاش شده است دامنه خشونت در جنگ به حداقل برسد و کرامت انسانی

حتی در شرایط مخاصمه نیز حفظ شود. بسیاری از اصولی که امروزه در قالب قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی مطرح می‌شوند، در آموزه‌های اسلامی و سیره نبوی پیشینه‌ای دیرینه دارند.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیل تطبیقی انجام‌شده، اخلاق جنگ در اسلام که ریشه در قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ دارد، نظامی اخلاقی و محدودکننده خشونت به شمار می‌آید که قرن‌ها پیش از تدوین قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اصول مهمی در زمینه تنظیم رفتار در جنگ ارائه کرده است. هردو نظام بر اصولی همچون حمایت از غیرنظامیان، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و پرهیز از تخریب بی‌رویه تأکید دارند.

با این حال، تفاوت اساسی آن‌ها در مبانی مشروعیت جنگ است؛ در اندیشه اسلامی، جنگ تنها در چارچوب دفاع، رفع ظلم و حمایت از مظلومان مشروعیت می‌یابد، در حالی که حقوق بشردوستانه معاصر بیشتر بر معیارهای حقوقی و سازکارهای نهادی برای تنظیم رفتار در مخاصمات مسلحانه تمرکز دارد. این مقایسه نشان می‌دهد که میان اخلاق جنگ در اسلام و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، علاوه بر تفاوت‌های مبنایی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای هم‌گرایی به منظور کاهش آلام انسانی در جنگ‌ها وجود دارد.



منابع و ماخذ

- قرآن کریم.
۱. الحمیری، عبدالملک بن هشام. (۱۴۱۱ق). السیرة النبویة. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.
 ۲. الطبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری). چاپ اول. بیروت: دارالتراث.
 ۳. المازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب (ع). چاپ اول. قم: مؤسسه انتشارات علامه.
 ۴. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع). چاپ اول. بیروت: مؤسسة الوفاء.
 ۵. حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷ش). اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
 ۶. حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷ش). سیره و اخلاق نظامی پیامبر اعظم (ص). تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
 ۷. حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷ش). قواعد بشردوستانه در اسلام و تطبیق آن با کنوانسیون های ژنو. فصلنامه مطالعات حقوقی، (۳).
 ۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳ش). لغت نامه دهخدا. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۹. واقدی، محمد بن عمر بن واقد السهمی. (۱۴۰۹ق). المغازی (کتاب المغازی). چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۰. موسوی، علی. (۱۳۸۶ش). حقوق بین الملل بشردوستانه و نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران. رویدادها و تحلیل ها، (۲۰۹).

